

مطالعه تطبیقی کودک‌آزاری و جرائم جنسی از دیدگاه قرآن کریم؛ حقوق موضوعه و اسناد بین‌المللی

سحر زرگریان*

حسن شفیعی**

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱۱

چکیده

توجه به حقوق کودک، فقط بحث جوامع امروزی نیست، بلکه در دین مبین اسلام هم نسبت به حقوق کودک در مواردی شبیه توجه شده است. در این مقاله حاضر در صدد هستیم کودک‌آزاری و جرائم جنسی در کنوانسیون‌های بین‌المللی را در مطابقت با قرآن کریم و قوانین موضوعه ایران مورد بررسی و کند و کاو قرار دهیم. با پیش‌بینی حقوق کودکان و نوجوانان و نیاز مبرم این قشر از شهروندان به حمایت‌های بنیادین انسانی و اولیه امروزه اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها سعی در جرم‌انگاری هرگونه کودک‌آزاری داشته و در قرآن نیز به جلوه‌های مختلف منع کودک‌آزاری مورد توجه و تأکید بوده است.

کلیدواژگان: کودک، کودک‌آزاری، قرآن، حقوق ایران، اسناد بین‌المللی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

hasanshafiee362@gmail.com

** استادیار واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: حسن شفیعی

مقدمه

در جامعه امروزی، کودکان جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند و دیگر مانند گذشته نیست که کودک جزء اموال خانواده محسوب شود بلکه کودک فردی است با شخصیت و جایگاه اجتماعی خاص خود و حقوقی که به تبع این جایگاه اجتماعی برای او در نظر گرفته شده است.

در این مقاله، با نگاهی به اسناد بین‌المللی در مورد حقوق کودک و کودک آزادی، به موقعیت برخی از کشورها، از جمله جمهوری اسلامی ایران نسبت به کنوانسیون حقوق کودک اشاره شده است. این پژوهش با روشی تحلیلی و توصیفی به انجام رسیده و با استناد به اسناد بین‌المللی و قوانین موضوعه ایران به نتایج قابل توجهی در این زمینه دست یافته است. بر این اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق کودک در قرن بیستم، از لحاظ تدوین مقرراتی جامع درباره حقوق کودکان، انتظارات جامعه بشری را در حمایت از کودکان برآورده است و اکثر کشورها پس از تصویب کنوانسیون، در کشور خود، به تدریج قوانین و مقررات خود را اصلاح کرده یا تغییر داده‌اند. جمهوری اسلامی ایران هم از جمله این کشورها است که به تدوین مقررات جدید در حمایت از کودک پرداخته است. بر اساس یافته‌های پژوهش جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر منابع عمده حقوقی و از جمله قوانین اسلامی تا آنجایی که اسناد بین‌المللی در جرم کودک‌آزاری با شرع مقدس اسلام تضادی نداشته باشد، با این قوانین مطابقت دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش با این وجود در برخی از وجوه جرم کودک‌آزاری، قوانین ایران از اطفال در برابر جرائم جنسی حمایت کافی نکرده است.

در غالب جرایم دو کنش‌گر ضروری است: بزه‌کار و بزه دیده. بر اساس نظریه حساب‌گری بنتام شخص قبل از ارتکاب جرم با سنجش منافع و مضار آن به حساب‌گری می‌پردازد، و چنانچه دریابد منافع مکتبی احتمالی بیش‌تر از مضار است، اقدام خواهد کرد. یکی از مواردی که می‌تواند در حساب‌گری بزه‌کار مورد لحاظ قرار گیرد وجود بزه‌دیده‌ای است که آماج مناسبی برای ارتکاب جرم باشد. اطفال و زنان به دلیل وضع فیزیولوژیک‌شان آماج مناسبی برای بزه‌کاران‌اند. این گروه به دلیل فقدان قدرت جسمی کافی در مقابل ارتکاب جرم علیه خود مقاومت کم‌تری نشان می‌دهند و از افشای

بزه‌دیدگی خود ترس دارند. این مشکل باعث شده است که هم در گروه بین‌المللی و داخلی در جهت حمایت از این دو گروه سیاست افتراقی اتخاذ شود؛ در عرصه بین‌المللی اسناد بین‌المللی و در عرصه داخلی قوانین حمایتی عهده دار این هدفانند. در حقوق داخلی گاه به صورت جرم انگاری خاص و گاه به صورت وضع مجازات شدید نسبت به مرتکبان جرائم علیه آن‌ها تجلی پیدا می‌کند. موقعیت اطفال که «بزه دیدگان آرمانی» هستند به مراتب وخیم‌تر از موقعیت زنان است، از این رو نیازمند حمایت و مساعدت‌هایی هستند که متناسب با سن و مراحل رشد و نیازهای ویژه و فردی آن‌ها باشد.

آنچه در این تحقیق در پی بررسی آنیم، وضعیت کودکان به عنوان بزه دیدگان بالقوه‌ای است که یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی حمایت هرچه بیشتر از آنان را ایجاب می‌کند.

پیشینه تحقیق

محمد نوروزی در مقاله‌ای با عنوان «نظری به تاریخ مجازات جرائم جنسی (کیفرهای سخت و ناهنجار نسبت به جرائم جنسی در گذشته)» که در مجله حقوق امروز در فروردین و اردیبهشت ۱۳۴۳- شماره ۱۱ و ۱۲ (صص ۷۶-۸۰) به چاپ رسانیده به تاریخ مجازات جرائم جنسی در گذشته پرداخته است. در این مقاله بعضی از مجازات‌های خشن و باور نکردنی تشریح شده است که در روزگار گذشته درباره امور منافی عفت که برخی از آن‌ها امروزه اصلاً عنوان جرم ندارد، اجرا می‌شده است. در روزگار قدیم به طور کلی جرم یا گناه جنبه مذهبی داشت و مجرم را طبق قوانین مذهبی مجازات می‌کردند. زهر/فهرستی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی پدیده کودک‌آزاری از ابعاد حقوقی و ضرورت بازنگری» که در مجله فقه و تاریخ تمدن، بهار ۱۳۸۷- شماره ۱۵ (صص ۱۱۳-۱۴۰) به چاپ رسیده به بررسی ابعاد حقوقی کودک‌آزاری پرداخته است. کودک‌آزاری در ایران مبحثی نسبتاً جدید و تازه است اما در کشورهای اروپایی و آمریکایی قدمت بیشتری دارد. این معضل اجتماعی، مورد توجه قانونگذاران، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان و علماء تعلیم و تربیت بوده و هریک از صاحب‌نظران علوم مختلف از زوایه

دید خود را مورد توجه قرار داده‌اند. کودک‌آزاری جزو بزهکاری‌های سیاه تلقی می‌شود زیرا به دلیل جسمی و شخصیتی، بزه دیده نسبت به تضییع حقوق و آزاردیدگی وی، نوعاً اعلام جرم نمی‌شود. با ضعف توجه به آمارهای منتشره، میزان اعمال مخرب و جنایی علیه اطفال و نوجوانان در تمام دنیا در حال افزایش است. طی دهه‌های اخیر شواهد زیادی مبنی بر نقض حقوق کودکان در بسیاری از نقاط جهان به دست آمده است.

افرخ فروزان کرمانی در مقاله‌ای با عنوان «جرم انگاری رفتار علیه اطفال در اسناد بین‌المللی و حقوق جزای ایران» که در مجله کانون وکلا، تابستان ۱۳۹۰ - شماره ۲۱۳ (صص ۱۶۸ تا ۱۹۶) به چاپ رسیده به بررسی جرم انگاری رفتار علیه اطفال در اسناد بین‌المللی پرداخته است. بر اساس نظر ایشان در کنار جرم انگاری و کیفرانگاری حمایتی، پیش‌بینی ساز و کار جبران آثار بزه‌دیدگی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حقوق کیفری در راستای حمایت از کودک و جهت جبران آسیب‌های وارده بر وی به شمار می‌رود. بر خلاف مؤلفه‌های حمایتی پیشین، آثار ساز و کار جبران به شکلی مستقیم بر کودک بزه دیده تبلور می‌یابد. بنابراین هرچه که گستره ساز و کار جبران، فراگیرتر و متنوع‌تر باشد، از گسترش آسیب وارده در اثر ارتکاب جرم علیه کودک جلوگیری و تا حد بسیاری این آسیب‌ها جبران خواهد شد.

مفاهیم و انواع کودک‌آزاری کودک

اینکه کودک یا طفل و نوجوان به چه کسی اطلاق می‌شود و تا چه سنی طفل محسوب می‌شود در نظام‌های حقوقی و قوانین داخلی هر کشوری متفاوت است. بر اساس قانون مدنی ایران، «کودک» مترادف با واژه صغیر و طفل بیان و لیکن تعریف جامع و کاملی از آن ارائه نشده است و تنها در ماده ۱۲۰۷ این قانون صغار را جزء محجورین دانسته و از تصرف در اموال خود ممنوع نموده است، و به شخصی که به حد بلوغ نرسیده باشد کودک یا صغیر گفته می‌شود که قانونگذار زمان بالغ شدن پسران را ۱۵ سال قمری و دختران را ۹ سال قمری مشخص کرده است. قانونگذار، در قانون آئین

دادرسی کیفری نیز، علی‌رغم اختصاص شعب مخصوص برای رسیدگی به جرائم اطفال تعریف صریحی از واژه کودک ننموده و تنها با بیان این نکته که طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد اکتفا نموده‌اند.

در قوانین مجازات عمومی ۱۳۰۴ و مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز برای تحقق مسئولیت کیفری همین سن و بلوغ شرعی یا عدم آن، ملاک مسئولیت کیفری شناخته می‌شود. اما، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌توان تغییراتی را از لحاظ سنی که به نظر می‌رسد با عنایت به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و الحاق ایران به آن است مشاهده نمود. همین قانون برای اولین بار در کنار واژه اطفال، نوجوانی را نیز به کار برده است. در کنوانسیون حقوق کودک، کودک به هر انسانی که زیر هجده سال تمام باشد گفته می‌شود؛ مگر اینکه مطابق قانون حاکم بر آن شخص، سن کم‌تری برای رشد او مقرر شده باشد (ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک).

در تغییراتی که در قانون مجازات اسلامی انجام شد در ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ اشاره شد به اینکه «افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند» و ماده ۱۴۷ همین قانون سن بلوغ را در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری ذکر نمود و همچنین می‌توان به ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ اشاره کرد که در خصوص مسئولیت کیفری افراد نابالغ، بر اساس مقررات این قانون (قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود. قانون مدنی نیز به پیروی از قول مشهور فقهای امامیه در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ را در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری می‌داند.

بنابراین در نظام حقوقی ایران منظور از طفل کسی است که به بلوغ جنسی نرسیده است و ملاک تعیین بلوغ جنسی میزان سن در افراد است که در مورد پسران ۱۵ سال و در مورد دختران ۹ سال تمام است. این در حالی است که قانون قبل از انقلاب اسلامی بین سن مسئولیت کیفری در حقوق جزا و سن نکاح که موضوع حقوق مدنی بود قائل به تفکیک بوده است (شاملو، ۱۳۹۰: ۹).

در اصطلاح حقوقی، صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمانی و روحی لازم برای زندگانی اجتماعی نرسیده است (امامی، ۱۳۴۳: ۲۴۳).

کودک آزاری

کودک آزاری از دو واژه کودک و آزار به اضافه «ی» مصدرساز تشکیل شده است. در لغت، هر نوع فعل یا ترک فعل عمدی آسیب‌رسان به کودک، عنوان کودک آزاری به خود می‌گیرد. این واژه در معنای وسیع خود، تجاوز به حقوق قانونی کودک است.

کودک آزاری طیف وسیعی از رفتارهای آسیب‌رسان را شامل برآورده نکردن نیازهای اولیه کودک، غفلت از مراقبت‌های بهداشتی، فقدان رشد کافی، تنبیه و بدرفتاری فیزیکی، سوء استفاده جنسی و سوء رفتار هیجانی و آزار روانی در بر می‌گیرد. طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، کودک آزاری عبارت است از «آسیب با تهدید سلامت جسم و روان و یا سعادت و رفاه و بهزیستی کودک، به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئول هستند» (بیگلویی و همکاران، ۱۳۸۰: ۴۱). در اصطلاح متخصصان امر، هرگونه رفتاری که مشتمل بر آزار جسمی یا سوء استفاده جنسی با بی‌توجهی به کودک و نیازهای اساسی افراد و آزار عاطفی باشد، کودک آزاری تلقی می‌شود (مدنی، ۱۳۸۱: ۵). کودک آزاری یک مسأله فرهنگی اجتماعی است که معمولاً چندین عامل، با هم در بروز آن نقش دارند. مطالعات نشان می‌دهد که به طور کلی سه گروه از کودکان بیش از دیگران در معرض کودک آزاری قرار می‌گیرند. کودکان غیر نرمال، کودکان دشوار و کودکان طرد شده (همان: ۲۸).

در یک تعریف کلی می‌توان گفت؛ کودک آزاری عبارت است از هرگونه رفتار یا کوتاهی در انجام عملی که سلامت جسمی، روانی و رشد کودک را به مخاطره اندازد. کودکان به علت ویژگی‌هایی که از نظر سنی دارند بسیار آسیب‌پذیر هستند و نیاز به حمایت و مراقبت ما دارند، اما گاهی بزرگسالان به دلایل مختلف به جای حمایت و مواظبت از کودکان آنان را مورد آزار قرار می‌دهند.

انواع کودک آزاری

بر مبنای رویکرد ارائه شده توسط سازمان بهداشت جهانی، کودک آزاری تحت چهار محور زیر قابل تحقق است:

۱. کودک‌آزاری جسمی

در تعریف کودک‌آزاری جسمی، همانند تعریف خود کودک‌آزاری، نظر واحدی وجود ندارد، مسائلی نظیر قوانین و مقررات حقوقی مربوط به بزه‌دیدگی اطفال، ارزش‌های فرهنگی خصوصاً در زمینه تربیت و تنبیه و معیارهای مقبول اجتماعی تأثیرگذارند (والتر، ۱۹۷۶: ۹۷). بنا بر یکی از تعاریف، کودک‌آزاری جسمی عبارت است از حمله فیزیکی به کودک به گونه‌ای که موجب درد، بریدگی، کبودی، شکستگی استخوان و سایر جراحات و حتی مرگ کودک شود (مدنی، ۱۳۸۱: ۹۱).

آزار جسمی کودک منجر به آسیب جسمی بالفعل یا بالقوه وی می‌گردد. این رفتار در حیطه رابطه مسئولیت، اعتماد و یا اعمال اختیارات فرد صورت می‌پذیرد (بدین معنا که بیش‌تر توسط افرادی که اختیار و یا مسئولیت نگهداری کودک را بر عهده دارند و کودک نسبت به آن‌ها اعتماد دارد، صورت می‌گیرد). این رفتار به صورت عمدی و با نیت ورود صدمه به کودک و یا در نتیجه اعمال تربیتی و تأدیبی والدین یا خویشاوندان که به منظور تنبیه کودک صورت می‌پذیرد، واقع می‌شود (نقوی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۸۰-۱۶۱). برخی از مصادیق آزار جسمی عبارت‌اند از شلاق زدن، ضربه زدن، لگد زدن، سوزاندن، پرت کردن و هل دادن، خفه کردن، گاز گرفتن و امثال آن. آزار جسمی ممکن است به سلب حیات کودک و یا معلولیت و نقص عضو دائم وی منجر گردد.

۲. کودک‌آزاری عاطفی

کودک‌آزاری عاطفی عبارت از هر نوع کوتاهی و سهل‌انگاری در رفتار اشخاصی است که به نحوی با سلامت روانی و عاطفی و همچنین اجتماعی کردن کودک سر و کار دارند. آزار و اذیت روانی می‌تواند واجد اثرات منفی روان‌پزشکی یا روان‌شناسی بیش از آزار و اذیت جسمی باشد (شامبیاتی، ۱۳۸۴: ۱۵).

سوء استفاده عاطفی یا روانی شامل هرگونه آزار شفاهی شامل توهین، انتقاد، تمسخر، تحقیر، تقاضای غیر معقول از کودک و خارج از توان اوست (عباچی، ۱۳۸۵: ۶). ماده ۱۹ کنوانسیون نیز در این خصوص تمهیداتی اندیشیده است. به طور کلی، ناتوانی یا غافل ماندن والدین از توجه و رسیدگی به نیازهای هیجانی و عاطفی کودک مسامحه عاطفی

نامیده می‌شود (جلیلی، ۱۳۷۴: ۷۴). کودک‌آزاری عاطفی به معنای قصور در فراهم نمودن محیط حمایتی مناسب برای رشد می‌باشد. چنین محیطی شامل مجموعه تعلقات و وابستگی‌های ابتدایی می‌شود که بر مبنای آن‌ها کودک این امکان را کسب می‌نماید تا شایستگی‌های عاطفی و اجتماعی‌اش را متناسب با استعدادها و توانایی‌های بالقوه خود، در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، بروز دهد. رفتارهایی که نسبت به کودک صورت می‌گیرد و منجر به ورود آسیب به سلامت و رشد جسمی و روانی، روحی و اخلاقی یا اجتماعی او می‌گردد یا احتمال بروز چنین آسیب‌هایی را ایجاد می‌نماید، در زمره آزار عاطفی قرار می‌گیرد. این رفتارها باید در حوزه کنترل والدین و یا اشخاصی که مسئولیت و یا اختیار کودک را بر عهده‌دارند، انجام پذیرد. چنین اقداماتی شامل انکار طفل، محدودیت در حرکت، تحقیر، سرزنش، تهدید، ترساندن، استهزا کردن، یا دیگر آسیب‌های غیر جسمی از رفتارهای خصمانه و تبعیض‌آمیز می‌شود.

۳. کودک‌آزاری جنسی

یکی دیگر از انواع کودک‌آزاری، کودک‌آزاری جنسی است که بسیاری از مصادیق آن در قانون مجازات اسلامی ذکر شده است. مانند لواط، زنا، تقبیل، قوادی، سوء استفاده جنسی؛ نظیر تهیه تصویر مستهجن از کودکان، تشویق و راهنمایی به فحشا، فریب کودک دختر و ازدواج با او. در ضمن برخی از جرایم دیگر از قبیل هرزه‌گری کودکان، تشویق کودکان به هرزه‌گری و فحشا و جرایمی از این قبیل نیز قانون مجازات جرایم رایانه‌ای در مواد ۱۳ و ۱۴ جرم شناخته خواهد شد.

نامرئی‌ترین نوع آزار کودکان را می‌توان آزار جنسی دانست که به سبب طبیعت این رفتار شنیع، کمتر آشکار می‌شود و جزء رقم سیاه یا بخش تاریک بزه‌کاری علیه اطفال قرار می‌گیرد و عمدتاً از طریق کلینیک‌ها، بیمارستان‌ها، مراجع قضایی یا آژانس‌های مددکاری اجتماعی گزارش می‌شوند (گلن، ۱۹۸۴: ۴۹۵). آنچه به عنوان آزار جنسی کودکان مطرح می‌شود، ممکن است توسط اعضای خانواده یا بیگانه انجام پذیرد.

کودک‌آزاری جنسی وقتی محقق می‌شود که رابطه جنسی بین طفل و یک یا چند بزرگسال یا بین دو طفل برقرار شود، به گونه‌ای که فاعل به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بزرگ‌تر

از قربانی باشد یا موضع و موقعیت قویتر و بالاتری نسبت به قربانی داشته باشد(والتر، ۱۹۷۶: ۹۹).

در واقع کودک‌آزاری جنسی عبارت است از درگیر نمودن کودک در فعالیت جنسی که وی به‌طور کامل آن را درک نمی‌کند، ناتوان از ابراز رضایت آگاهانه است، یا کودک برای انجام آن به لحاظ رشدی آماده نیست و نمی‌تواند به آن رضایت دهد یا درگیر کردن کودک در فعالیت جنسی‌ای است که قانون‌ها و تابوهای اجتماعی را نقض می‌کند. آزار جنسی طیف گسترده‌ای از رفتارها را در بر می‌گیرد.

برخی از مصادیق این عمل به شرح ذیل است: اغوا نمودن و یا اجبار کودک به وارد شدن در هرگونه رفتار جنسی غیر قانونی، استفاده و بهره‌کشی از کودک در فحشا و دیگر رفتارهای جنسی غیر قانونی، استفاده از کودکان در تهیه مطالب هرزه‌نگاری و غیره(ایروانیان و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۲). هرچند به دلایل اخلاقی و حیثیتی بدست‌آوردن آمار قابل اتکایی در زمینه شیوع کودک‌آزاری جنسی میسر نیست، لکن برآورد سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد که ۲۰ درصد از زنان و ۵ تا ۱۰ درصد از مردان در کودکی مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند. آثار مخرب و بسیار شدید این نوع از کودک‌آزاری از یک سو و از سوی دیگر امتناع کودکان آزاردیده از افشای چنین وقایعی که اقدام به موقع برای درمان و رفع مخاطرات بعدی را غیر ممکن می‌کند بر عمق خطر این نوع کودک‌آزاری می‌افزاید(مهدوی، ۱۳۸۸: ۱۹۹).

قبح اجتماعی باعث شده که رقم سیاه جرایم جنسی بالا باشد و غالب کسانی که مورد تعرض قرار می‌گیرند از افشای تجاوز ابا دارند. در مورد اطفال رقم سیاه بسیار بالاتر است. اغلب آنان چنانچه در طفولیت مورد تعرض قرارگیرند، از بیان تجاوز ابا دارند و سعی در پوشاندن آن دارند. بسیار مشاهده شده است کسانی که مورد تعرض قرار گرفته‌اند بعد از چندین سال آن هم در سنین بزرگسالی و هنگامی که متجاوز به دلیل تجاوزهای متعدد دستگیر می‌شود، به افشای تجاوز جنسی انجام شده بر خود اقدام می‌کنند. بسیار اتفاق افتاده است کودکانی که در این سن مورد تجاوز قرار گرفته‌اند در بزرگسالی به منظور انتقام، اقدام به تجاوز به اطفال نموده‌اند(حبیب‌زاده و روبین زاده، ۱۳۸۵: ۷۶-۵۷).

۴. کودک آزاری مبتنی بر غفلت و بی‌مبالاتی

بی‌توجهی و کوتاهی در فراهم نمودن لوازم رشد کودک در کلیه حوزه‌های سلامتی (بهداشت)، آموزش، رشد عاطفی، تغذیه، مسکن و شرایط زندگی امن در حیطه منابعی که در اختیار والدین قرار دارد و منجر به بروز آسیب به سلامتی یا رشد جسمی، روحی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی کودک می‌گردد، و همچنین قصور در نگهداری و مواظبت کامل و حمایت از کودکان در برابر آسیب‌ها تا جایی که امکان‌پذیر است، کودک‌آزاری مبتنی بر غفلت و بی‌مبالاتی محسوب می‌شود (نجفی توانا، ۱۳۸۸: ۷۴). بر خلاف سایر اشکال کودک‌آزاری که از لحاظ نظری، امکان ارتکاب آن‌ها از سوی سایر اشخاص غیر از والدین نیز توسط والدین و سایر سرپرستان قانونی قابل ارتکاب است. چراکه متصور بود اینگونه از کودک‌آزاری صرفاً قصور در نگهداری کودک و تأمین نیازهای وی تنها تحت شرایطی امکان‌پذیر است که اشخاص مرتکب، مسئولیت نگهداری و یا تأمین نیازهای طفل را بر عهده داشته باشند (ایروانیان و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۲).

۵. کودک‌آزاری روانی

از مصادیق تصریح شده کودک‌آزاری روانی، توهین و قذف کودک است. همچنین می‌توان به عدم تحویل کودک به سرپرست قانونی (ماده ۶۳۲)، رهاکردن کودک (ماده ۶۳۳)، ربودن نوزاد (ماده ۶۳۱)، مزاحمت و تعرض در اماکن عمومی (۶۱۹). البته مواردی نیز وجود دارد که چنانچه بزه دیده کودک باشد، مجازات مجرم تشدید خواهد شد، مانند جرم آدم ربایی (ماده ۶۲۱).

۶. کودک‌آزاری ناشی از ترک فعل

این موارد دربرگیرنده ترک فعل‌هایی است که منجر به مخاطره افتادن سلامت جسمانی و روانی کودک می‌گردد، که در برخی قوانین به صراحت بدان اشاره و جرم تلقی شده است، از جمله ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، نادیده گرفتن عمدی سلامت، بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل کودکان و نوجوانان را

ممنوع دانسته و مستحق مجازات می‌داند. از دیگر مصادیق این نوع از کودک‌آزاری ترک انفاق کودک تحت تکفل در صورت استطاعت مالی است (ماده ۶۴۲ ق.م.ا.).

۷. کودک‌آزاری ناشی از بهره‌گیری خلاف

در این نوع کودک‌آزاری، گرچه ممکن است، اعمال انجام شده سلامت کودک را به مخاطره نیندازند، ولی به هر حال سوء استفاده از کودک بوده، بر خلاف مصلحت او است و چنین اعمالی نیز از سوی قانونگذار جرم تلقی شده و مجازات در پی دارد. ماده ۳ این قانون در تشریح چنین اعمالی می‌گوید: هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و بکارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف، از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب، حسب مورد علاوه بر جبران خسارت وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم خواهد شد. در قانون مجازات اسلامی، جرم بهره‌کشی از کودکان در اعمال خلاف، در مصادیق خاصی، چون تکدی‌گری با مجازات شدیدتری مواجه است. ماده ۷۱۳ این قانون می‌گوید: هر کس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد... به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است، محکوم خواهد شد. از سوی دیگر، بهره‌کشی در ارتکاب جرایم مواد مخدر نیز مجازات خاص خود را دارد (ماده ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر). در حقیقت، بنا به تصریح ماده ۸ قانون حمایت از کودک که مقرر می‌دارد: اگر جرائم موضوع این قانون مشمول عناوین دیگر قانون شود یا در قوانین دیگر حد یا مجازات سنگین‌تری برای آن‌ها مقرر شده باشد، حسب مورد، حد شرعی یا مجازات اشد، اعمال خواهد شد که البته مجازات اشد مذکور در قانون مجازات اسلامی یا قانون مبارزه با مواد مخدر قابل اجرا خواهد بود. لازم به ذکر است که مطلقاً به کار گماردن کودکان زیر ۱۵ سال به موجب ماده ۷۹ قانون کار ممنوع است.

نظریه ساختار اجتماعی

از نگاه برخی جرم‌شناسان موقعیت طبقات اجتماعی محروم نخستین عامل جرم محسوب می‌شود.

چنین نگرشی موسوم به نظریه ساختار اجتماعی است. طبق آن نیروهای اجتماعی و اقتصادی در مناطق نامناسب فقیرنشین افراد را به سمت الگوهای رفتار مجرمانه سوق می‌دهند. این نظریه‌ها باندهای بزهکار ولگرد، نرخ بالای جرم، و اختلال و بی‌نظمی را در مناطق حاشیه‌نشین به مثابه مسائل عمده اجتماعی می‌شناسند.

تئوری‌های ساختار اجتماعی منتقد آن دسته از افرادی هستند که مدعی‌اند جرم حاصل عدم توازن روان‌شناختی، خصایل زیستی، بی‌توجهی به کنترل‌های اجتماعی، انتخاب شخصی، یا هر نوع ویژگی شخصی دیگر است. طبق نظر آن‌ها افرادی که در محیط اجتماعی مشابهی زندگی می‌کنند به سبک و شیوه مشابه و مورد انتظاری میل به رفتار دارند. لذا در صورت عدم تأثیرگذاری محیط بر رفتار انسان توزیع نرخ جرم در ساختار اجتماعی باید یکسان باشد که البته چنین نیست. نظر به اینکه نرخ جرایم در مراکز فقیرنشین شهری به نسبت حومه‌های طبقات میانی رو به بالاست، پس نیروهای اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین دخیل بوده و بر رفتار تأثیرگذارند (زوراوین، ۱۹۹۱: ۱۶۱). گیلز معتقد است که هرچند بسیاری از افراد فقیر با فرزندان خود بدرفتاری نمی‌کنند و فقر فی‌نفسه، سبب بروز کودک‌آزاری و غفلت نیست اما در تبیین‌های روان‌شناختی آزار و در تبیین کودک‌آزاری توسط محققان، سهم استرس ناشی از فقر و محرومیت مادی بسیار تنگ‌نظرانه و تقلیل‌گرایانه بوده است. وی بعدها نظر خود را بسط بیشتری داد تا برخی از سیاست‌های دولت را مقصر نشان دهد. او یک تعریف کلی از کودک‌آزاری ارائه داد که شامل همه کودکانی می‌شد که نیازهای رشد و پرورش آن‌ها به هر دلیل نمی‌توانست برآورد شود (علیوردی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۶).

این تعریف آشکارا مسئولیت دولت را در کودک‌آزاری در مواردی که نابرابری و استانداردهای پایین مسکن، بهداشت، آموزش و تفریح را برای کودکان فقیر جایگزین می‌شمارد بیش از شخص آزار دهنده می‌داند. قوت رویکرد ساختار اجتماعی ابراز این مطلب است که کودک‌آزاری جسمی با فقر رابطه نزدیکی دارد. کافمن و زیگلر نیز به رابطه بین فقر و بدرفتاری با کودکان اشاره می‌کنند و می‌گویند: هرچند بسیاری از افراد فقیر با فرزندان خود بد رفتاری نمی‌کنند و فقر به خودی خود، سبب بروز آزار و غفلت نیست؛ اما فقر با استرس، اعتیاد، تغذیه نامناسب و ضعف مراقبت‌های پزشکی در ارتباط

است و احتمال بدرفتاری را افزایش می‌دهد. در چشم انداز رویکرد ساختی، پیندرهاگس این نکته را اثبات کرد که «والدین متعلق به طبقات پایین، گرایش بیش‌تری به تأیید و تصویب استفاده از تأدیب تند و خشن نشان می‌دهند؛ زیرا نسبت به ارزش تندی و خشونت اعتقادات قوی‌تری دارند و استرس زیادی را تجربه می‌کنند». همچنین، ثابت شده است که پدران متعلق به پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین، در مقایسه با پدران متعلق به پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتر، در برخورد با کودکان از تنبیه بدنی و کلامی بیش‌تری استفاده می‌کنند.

به علاوه، یافته‌ها نشان می‌دهند والدین کم درآمد و کم سواد نسبت به والدین پردرآمد و با تحصیلات عالی، به اشکال خشن‌تری از تنبیه بدنی توسل می‌جویند. از این دیدگاه، رفتار انسان، بیش از آنکه تحت تأثیر عوامل برون شخصی یا درون شخصی باشد، متأثر از زمینه‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند.

به خصوص در مورد کودک‌آزاری، فرض بر این است جایی که شرایط محیطی برای خانواده‌ها مناسب نیست، احتمال وقوع بدرفتاری دوچندان می‌شود. در ایالات متحده، گاربارینو (۱۹۷۷-۱۹۸۲) به طور خاص در بررسی و کاوش این گونه روابط بسیار کوشیده است.

وی در مناطق روستایی و مناطق شهری به این نتیجه دست یافت که کودک‌آزاری گزارش شده رسمی در محله‌هایی که شاخص‌های تنش اجتماعی، تحرک جمعیتی و میزان فقر بالاست، بیش‌تر است. عامل اصلی به نظر می‌رسد دوری از سیستم‌های حمایتی ممکن باشد. تنبیه خشونت‌بار فیزیکی و کودک‌آزاری با انزوای اجتماعی خانواده همچون کاهش تماس با خویشاوندان و کاهش درگیری در شبکه‌های حمایتی ارتباط دارد (چو، ۲۰۰۳). مدل بوم‌شناسی اجتماعی مشتمل بر سه سطح تحلیلی است: ۱. ارتباط بین انسان و محیط؛ ۲. تعاطی و تعامل نظام‌هایی که انسان در آن رشد می‌نماید؛ ۳. کیفیت محیط (علی‌وردی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۶). در مدل بوم‌شناختی گفته می‌شود که خشونت و آزار، از ناهمسانی و ناهماهنگی والدین با فرزند خانواده، همسایه‌ها و جامعه نشأت می‌گیرد. خطر آزار و خشونت وقتی بیش‌تر می‌شود که کارکرد کودکان و والدین به وسیله مشکلات رشدی محدود شود. کودکان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری

و معلولیت‌های اجتماعی در معرض خطر آزار فزاینده قرار می‌گیرند. والدینی که تحت فشار زیاد قرار دارند یا آن‌هایی که دارای مشکلات شخصیتی هستند احتمال کودک‌آزاری بیش‌تر می‌رود. این شرایط وقتی بدتر می‌شود که تعامل اجتماعی بین همسران و والدین و بچه‌ها موجب افزایش استرس یا بدتر شدن مشکلات شخصی شود و اگر در جامعه‌ای مؤسسات و سازمان‌هایی برای حمایت از خانواده‌های مشکل‌دار وجود نداشته باشد، خطر باز هم بیش‌تر می‌شود (صیدی، ۱۳۸۶: ۵۹). به این ترتیب، فضای نیرومند اجتماع محور می‌تواند تأثیر شایانی - با بالا بردن مشارکت - بر افرادی که گرایش‌های فردی انزواطلبانه‌ای دارند، داشته باشد (گوترمن، ۲۰۰۵: ۱۴۹).

رویکرد تضاد خانوادگی

مطابق برخی رهیافت‌های نظری، جامعه‌پذیری ناقص و آشفته بر کارکردهای روانی کودک تأثیر منفی بر جای می‌گذارد. رفتارهای آشفته والدین را می‌توان به اشکال مختلف احصا کرد: ناهمسازی بین والدین: یعنی یکی از والدین به رفتار کودک پاسخ مثبت و دیگری پاسخ منفی می‌دهد. یا ناهمسازی می‌تواند درون والدینی می‌باشد: یعنی اینکه یکی از والدین به یک رفتار کودک در زمانی پاسخ مثبت و در زمان دیگری پاسخ منفی می‌دهد. این محققان برای یافتن پاسخی برای این تعاملات ناسازگارانه بین والدین و کودکان به عواملی نظیر انزوای اجتماعی، حمایت اجتماعی و عوامل اقتصادی و اجتماعی توجه داشته‌اند (کوربی، ۲۰۰۶). در مورد اینکه چگونه نظم در سطح خرد در کاهش خشونت علیه کودکان می‌تواند نقش داشته باشد.

چلبی (۱۳۷۵) عنوان می‌کند: «در خانواده چهار مشکل وجود دارد که هر خانواده‌ای برای تداوم و بقای خود باید این مشکلات را به نحوی حل کند. این مشکلات عبارت‌اند از معیشتی، تمشیتی، معاشرتی و تربیتی. بعد معیشتی مربوط به تأمین مایحتاج خانواده و نیازهای اقتصادی آن است. در بعد تمشیتی مسأله مدیریت خانواده مطرح است. در بعد معاشرتی مسأله روابط اعضای خانواده با همدیگر و گروه‌های بیرون از خانواده در دستور کار است. در بعد تربیتی مسأله آموزش تجارب، معارف و قواعد زندگی و کاربست آن‌ها مطرح می‌شود. طبق نظر چلبی، اگر بخواهیم در خانواده خشونت کم شود در هر یک

از این چهار بعد معیشتی، تمشیتی معاشرتی و تربیتی اعضای خانواده باید با همدیگر، اولاً بخت مشترک داشته باشند، ثانیاً باید در رفع مشکلات سوگیری موافق و هماهنگ داشته باشند؛ به عبارت دیگر باید همگام باشند و در یک جهت حرکت کنند. ثالثاً افراد خانواده باید در زمینه حل این مشکلات با هم همدلی داشته باشند و بالأخره اعضای خانواده باید در زمینه رفع این مشکلات با همدیگر مشورت و همفکری داشته باشند (چلبی، ۱۳۷۵: ۹۸).

الگوی رقیق شدگی منابع

الگوی رقیق شدگی منابع واجد دو جهت و مسیر متعارض است. از یک سو اگر مقدار «ثابت» سوء آزار مد نظر باشد، در این صورت باید احتمال ویژه قربانی شدن جسمی و جنسی کودک با افزایش تعداد هم‌بازی‌ها کاهش یابد. از سوی دیگر، هرچه تعداد فرزندان بیش‌تر باشد و آرامش و منابع مادی والدین را محدودتر سازد، خطر سوء آزار باید با افزایش تعداد هم‌بازی‌ها افزایش یابد (علی‌وردی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۳). الگوی رقیق شدگی منابع بر تعداد هم‌بازی‌ها و ترتیبات سنی تأکید دارد.

طبق الگوی رقیق شدگی منابع، منابع خانوادگی به موازات افزایش اندازه خانوار کاهش می‌یابد و باعث پیامدهای منفی و نامطلوب برای کودک می‌گردد. بنابراین، تأثیر اندازه خانوار بر خطر سوء آزار کودک، ممکن است به ابعاد و عوامل دیگری از جمله سن و جنس کودک و ترتیب و توالی تولد آن‌ها بستگی داشته باشد. والدین در خانواده‌ای مثلاً با چند کودک زیر پنج سال، ممکن است احساس کنند. سطح توان آن‌ها در قیاس با خانواده فرزندان‌هایی با پنج سال به بالا رو به کاهش است. از سوی دیگر در صورت حساسیت و وابستگی کودک‌آزاری به رقیق شدگی، ممکن است هم‌بازی‌ها در منزل (با تعداد هم‌بازی بیش‌تر) در مقابل خطر سوء آزار از یکدیگر حمایت کنند. تعداد زیاد هم‌بازی‌ها ممکن است بر اثر کاهش فرصت‌ها از وقوع سوء آزار جنسی جلوگیری کند. اما در عین حال امکان این نیز وجود دارد که تعداد زیاد هم‌بازی‌ها به دلیل حضور کودک در منزل فرصت بیش‌تر سوء آزار را فراهم سازد. البته سوء آزار جسمی ممکن است در حضور همه اعضای خانواده رخ دهد. از سوی دیگر، اگر کودکان آرامش و قرار و منابع

والدین را از بین برند، احتمالاً خطر سوء آزار با ازدیاد تعداد هم‌بازی‌ها فزونی می‌یابد. چنین مسأله‌ای ممکن است در باب سوء آزار جسمی دلالت و کاربست بیش‌تری داشته باشد. به این معنی که سوء آزار جسمی ممکن است ناشی از هدر رفتن منابع والدینی باشد که در صورت وجود داشتن تعداد زیاد هم‌بازی‌ها مورد انتظار است (گلس، ۱۹۹۰).

به زعم زاروین، بعد خانوار به سه دلیل عمده ممکن است در زمینه کودک‌آزاری، شایان توجه باشد. اولاً بعد خانوار می‌تواند خود تابع حاملگی ناخواسته باشد. ثانیاً بررسی‌های موجود در ادبیات جامعه‌شناسی خانواده همگی نشان داده‌اند که خانواده‌های پرجمعیت، با استرس بیش‌تر والدین، رابطه استبدادی بین والدین - فرزند، بی‌توجهی و نیز استفاده افراطی و نادرست از تنبیه بدنی عجین هستند. ثالثاً تحقیقات حاکی از این است که خانواده‌های تک‌والد و خانواده‌های پرجمعیت به دلیل درآمد پایین‌تر، پیش‌بینی کننده قوی‌تر بی‌توجهی است و بعد خانوار به دلیل غفلت و بی‌توجهی ممکن است بیش‌تر از خانواده سوء آزار باشد.

مقایسه مستقیم خانواده‌های دارای سوء آزار و خانواده‌های بی‌توجه همساز نشان داده است که خانواده‌های بی‌توجه نسبت به خانواده‌های آزاردهنده تعداد فرزند بیش‌تری دارند. همانگونه که انتظار می‌رود، بر اساس تئوری مزبور، اکثریت بیش‌تری از مطالعات موجود بر آزمون این فرض متمرکز شده‌اند که فرزند ناخواسته در مقایسه با فرزند با برنامه، در معرض بدرفتاری بیش‌تری قرار می‌گیرد (زوراویسن، ۱۹۹۱: ۱۶۹). مطابق با دیدگاه‌ها و نظریه‌ها، پدیده کودک‌آزاری، ضمن اینکه از مجموعه بهم پیوسته‌ای از شرایط و عوامل در سطوح خرد، میانی و کلان تأثیر می‌پذیرد، به طور خاص تحت تأثیر ویژگی‌ها و مختصات نهاد خانواده قرار دارد.

کودک‌آزاری از دیدگاه اسلام و قرآن

یکی از بزرگ‌ترین گناهان در اسلام، ظلم و آزار به کسی است که هیچ پناهگاهی جز خداوند ندارد. خشونت و آزار و به طور کلی بکارگیری روش‌هایی که متضمن ضرر جسمی، مالی یا روحی و روانی باشد از نظر اسلام مردود و تنها در مواردی به عنوان مجازات برای مجرمان تجویز شده است.

از نظر اسلام، خشونت و آزار، به خصوص در رابطه با مسائل تربیتی و در رابطه با انسان‌هایی که خداوند به آنان شخصیت و کرامت عطا فرموده، از جمله کودک، ممنوع است. والدین حق ندارند به هیچ بهانه‌ای صدمه‌ای جسمی یا روحی به کودک وارد کنند. نکته بسیار جالب توجه این است که این حمایت‌ها از حقوق کودکان در قرآن و سیره اهل بیت علیهم السلام زمانی مطرح شده که هیچ نهاد، سازمان یا کنوانسیون بین‌المللی برای دفاع از حقوق کودکان وجود نداشته است. اسلام با در نظر گرفتن همه نیازهای کودکان و دفاع از آن، زمینه را برای رشد و پیشرفت آنان در همه جنبه‌ها فراهم آورده است. از این رو، برای جلوگیری از پدیده کودک‌آزاری که متأسفانه امروزه در جوامع جهانی گسترش یافته، استفاده از تعالیم دینی و نظر کارشناسان مذهبی در زمینه نحوه رفتار با فرزندان و چگونگی تعلیم و تربیت آنان ضروری به نظر می‌رسد.

خداوند به بشر، شخصیت و کرامت ذاتی بخشیده است و در همه زمینه‌های فردی و اجتماعی، انسان‌ها را به عدالت دعوت می‌کند. از دیدگاه قرآن، ظلم و آزار رسانیدن به دیگران، محکوم است و بایستی به هر وسیله‌ای جلوی آن گرفته شود.

درباره حرمت کودک‌آزاری در قرآن تأکید شده و خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا﴾ به این معنی که «و فرزندانان را از ترس فقر نکشید! ما آن‌ها و شما را روزی می‌دهیم مسلماً کشتن آن‌ها گناه بزرگی است». در این آیه فرزند کسی که بالاترین حد کودک‌آزاری است منع شده است. سیاست جنایی اسلام ضمن تأکیدات و ارائه راهکار در جهت مبارزه با فقر، دستوراتی در جهت جلوگیری از وقوع بزه‌دیدگی در وضعیت‌های نامساعد من جمله فقر یا اختلافات خانوادگی صادر می‌نماید (چاووشی و کرامتی معز، ۱۳۹۷: ۱۵۹). از جمله آیاتی که به این امر اشاره دارد، می‌توان به آیه زیر استناد کرد که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تَضَارُّ وَالِدَةٌ بَوْلِدهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَ فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا

وَأَنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۶۰﴾

«مادران باید فرزندان خود را دو سال کامل شیر دهند این (دستور) برای کسی است که می‌خواهد دوران شیرخوارگی (طفل) را تکمیل کند، و روزی و لباس آن‌ها به نحو متعارف بر عهده کسی است که طفل از آن اوست (پدر) هیچ کس جز به مقدار توانش مکلف نمی‌شود، نباید مادری به خاطر فرزندش به زیان افتد و نه صاحب فرزندى برای فرزندش (نه به مادر تحمیل شود که مجانا شیر دهد و نه به پدر که هزینه بیش‌تر بپردازد) و نباید مادر و پدر (به خاطر اختلافات خود) به فرزند خود ضرر و آسیب برسانند. و مانند این تکلیف بر عهده وارث (پدر) نیز می‌باشد (که اگر پدر بمیرد و ترکه به همان طفل رسد، نفقه مادر با شرایط فوق از آن مال ادا می‌شود)، حال اگر پدر و مادر بخواهند روی توافق و مشورتشان (فرزند را قبل از موعد مقرر) از شیر بگیرند بر آن‌ها گناهی نیست. و اگر بخواهید برای شیر دادن اولادتان دایه طلبید بر شما گناهی نیست در صورتی که آنچه را که باید بدهید به نیکی و معروف بپردازید. و از خدا پروا کنید و بدانید خدا به آنچه می‌کنید بیناست»

از این آیه شریفه می‌توان دلالت واضح و روشنی را نسبت به حرمت کودک‌آزاری دریافت کرد. همانگونه که بیان شد در این آیه پدران و مادران هم از ضرر رساندن به فرزندانشان نهی شده‌اند و هم از ضرر رساندن به یکدیگر. به هر حال، از این آیه استنباط می‌شود که ضرر رساندن والدین به فرزندان حرام است.

در خصوص نهی و حرمت کودک‌آزاری روایات متعددی وجود دارد که به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود. رسول اکرم (ص) و امیر المؤمنین علی (ع) می‌فرماید: فی وصیة النبی صلی الله علیه و آله لعلی علی السلام یا علی: «لعن الله والدین حملا ولدھما علی عقوبتھما»: «لعن الهی و دوری از فیض خداوند بر پدر و مادری باد که فرزند خویش را به عصیان و آزار خودشان وادارند و باعث قطع رابطه محبت شوند» (شکوهی یکتا، ۱۳۶۳: ۱۶۰). همچنین حضرت می‌فرماید: «اکرموا اولادکم واحسنوا آدابھم»: «فرزندان خود را

احترام کنید و با آنان مؤدب برخورد نمایید». پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان به حدود توانایی والدین اکتفا نمود، و به همین امر که اطفال مهممل بار نیابند بسنده کرد؟ پاسخی که می‌توان به پرسش فوق داد این است که در مورد تربیت اطفال دو موضوع از هم قابل تفکیک است: یکی «امکانات و توان والدین» و حتی جامعه، و دیگری «قابلیت طفل» قانونگذار با وضع قانون فوق‌الذکر، در مقام تعیین تکلیف برای والدین بوده است، نه قابلیت طفل. بدیهی است که هر تکلیفی تنها در حدود توانایی مکلف از او خواسته می‌شود. البته مطلوب آن بود که در کنار این امر، مقنن به قابلیت طفل هم توجه می‌نمود. به خصوص به کودکانی که به دلایلی «ویژه» محسوب می‌شوند: یا به خاطر نبوغ بیش از حد، یا به دلیل نقص عضو و... (شکوهی یکتا، ۱۳۶۳: ۱۶۱). با مطالعه آیات قرآن کریم و سخنان پیشوایان دینی درمی‌یابیم که اسلام برای مسأله تعلیم و تربیت اهمیت خاصی قائل است. به طوری که قرآن سرلوحه برنامه‌های پیامبران، خصوصاً پیامبر اکرم (ص)، را تربیت انسان (تزکیه) معرفی می‌کند و می‌فرماید: «هو الذی بعث فی الامیین... ویزکیهم و...».

رسول گرامی اسلام (ص) نیز هدف رسالت خویش را تتمیم مکارم اخلاق ذکر می‌کند: «انی بعثت لأتمم مکارم الاخلاق» بدون هیچ شکی، نتیجه اخلاق، پرورش و رشد همه جانبه آحاد ملت اسلامی است (قمی، ۱۳۷۵: ۵۹۶). قرآن کریم در مورد تربیت اطفال در داستان لقمان حکیم از «موعظه» لقمان نسبت به فرزند خود یاد می‌کند و از این موضوع استفاده می‌شود که موعظه (نصیحت، پند، اندرز) از برنامه‌های تربیتی لقمان حکیم بوده که قرآن به آن اشاره نموده است. این امر اگرچه در قالب داستان بیان شده اما بدون شک مشعر بر آن است که قرآن کریم از زبان لقمان حقیقتی را در مقام اثبات بیان می‌کند و این نشانه آن است که امر تربیت فرزند از نظر قرآن از مسائل مهم به شمار می‌رود. یا آنجا که در قالب توصیه به اهل ایمان امر به مواظبت از «خانواده» می‌کند، حکایت از آن دارد که تربیت خانواده و به خصوص فرزندان باید مورد توجه باشد. از طرف دیگر، توجه فرزندان به والدین نیز از اهمیت برخوردار است. همچنین در حدیث‌های فراوانی، شکنجه و آزار رسانیدن به مردم نهی شده و وعده عذاب خداوند به مرتکبین داده شده است. امام صادق (ع) در همین زمینه چنین می‌فرماید: «اگر کسی،

دیگری را مورد ضرب و شتم قرار دهد خداوند او را با تازیانه‌ای از آتش خواهد زد» (حرعاملی، ۱۴۱۰: ۱۹۸). با ذکر این توضیحات، روشن است که کودک‌آزاری، حرام است. دلایل صریحی بر حرمت آن وجود دارد. مادر در اثر کدورت خاطری که با پدر فرزند دارد، فرزند خود را رها نکند به جهت اینکه مادر، شفقت بیش‌تری به کودک نسبت به سایر زنان دارد. همچنین پدر، نوزاد خود را به انگیزه‌های کینه توزانه از مادر نگیرد چون نتیجه این عمل، ضرر به نوزاد است. در مجموع، آیه شریفه دلالت بر این معنی دارد که پدر و مادر نباید به فرزند خود آزاری برسانند. بر این اساس، آیه دلالت روشنی بر حرمت کودک‌آزاری دارد.

کودک‌آزاری از نگاه حقوق بین‌المللی

پس از جنگ جهانی اول به سبب پیامدهای جنگ و آسیب به کودکان، در سال ۱۹۲۴ «اعلامیه حقوق کودک» در ژنو تنظیم شد. این اعلامیه بیش‌تر در زمینه تغذیه، بهداشت، مسکن کودکان جنگ زده و حمایت آنان در برابر آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از جنگ بود. اما تأسیس صندوق بین‌المللی کودکان، یونیسف، در سال ۱۹۴۶، گام مهم دیگری برای پرداختن به مسائل حقوقی کودکان جهان بود. یونیسف بر اساس قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد، بعد از جنگ جهانی دوم برای رهایی ۱۴ کشور اروپایی از بند فقر، گرسنگی، بیماری، بی‌سرپرستی و آوارگی پایه‌گذاری گردید. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) منبع دیگری برای حقوق کودکان بود؛ زیرا این اعلامیه تمام انسان‌ها را بدون توجه به ویژگی‌ها شامل می‌شود که طبعاً کودکان را نیز در بر می‌گیرد. در سال ۱۹۵۹ نیز اعلامیه حقوق کودک به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که در واقع اساس و بنیان کنوانسیون حقوق کودک را پی‌ریزی کرد. در قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی (۱۹۶۵)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و کنوانسیون حداقل سن اشتغال کودکان (۱۹۷۳) هم مباحثی در ارتباط با حقوق کودکان بیان شد.

طرح کنوانسیون حقوق کودک به ابتکار کشور لهستان و تلاش پروفیسور/ادم لوباتکا از این کشور در سال ۱۹۸۹ به اتفاق آرا تصویب شد. این کنوانسیون از یک مقدمه و ۵۴

ماده تشکیل شده است و تا کنون تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا به آن پیوسته‌اند. در سال ۲۰۰۰ نیز دو پروتکل اختیاری به کنوانسیون حقوق کودک تصویب شد: یکی پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودکان در مورد شرکت کودکان در جنگ و دیگری پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، فاحشگی و پورنوگرافی کودکان.

اعلامیه جهانی حقوق کودک (مصوب ۱۹۵۹) در قسمت ابتدایی اصل ۹ می‌گوید: «کودک باید در برابر هرگونه غفلت، ظلم، شقاوت و استثمار حمایت شود». همچنین در ابتدای اصل ۶ مقرر می‌دارد: «کودک، جهت پرورش کامل و متعادل شخصیتش نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید حد الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود، و به هر صورت در فضایی پر محبت، در امنیت اخلاقی و مادی، پرورش یابد».

بر اساس این ماده، دولت را نیز موظف شده‌اند، در صورت کوتاهی والدین نسبت به فرزندان حمایت ما و مراقبت‌های لازم را از آنان انجام دهند.

بر اساس ماده ۱۹ این کنوانسیون، کشورها باید به حمایت از کودکان در برابر خشونت‌های جسمی و روانی و هرگونه آزار، بی‌توجهی و سهل‌انگاری، اقدامات قانونی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل آورند. البته دولت‌های امضا کننده پیمان نامه جهانی حقوق کودک نیز موظف شده‌اند که اقدامات لازم برای محافظت از کودکان در برابر استفاده غیر مجاز از مواد مخدر، داروهای روانگردان و قاچاق این مواد را انجام دهد، که ماده ۲۴ این پیمان نامه در رابطه با مراقبت‌های بهداشتی از کودکان می‌گوید:

۱. دولت‌ها، حق کودک برای داشتن سلامتی و استفاده از به امکانات برای سلامت ماندن، بهبودی و درمان بیماری را به رسمیت می‌شناسند و تأمین می‌کنند که هیچ کودکی از این حق محروم نخواهد ماند.

۲. دولت‌ها، برای تأمین این حق کودک، اقدام‌های مناسب را انجام می‌دهند که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف. تعداد مرگ و میر نوزادان و کودکان را کاهش می‌دهد.

ب: خدمات درمانی سراسری برای کودکان را سازمان می‌دارد و از تأمین نیازهای اولیه بهداشتی، اطمینان حاصل می‌کنند. البته حکومت ما نیز به سلامتی مادر، قبل و

بعد از زایمان توجه کرده و با بیماری‌های کمبودها و یا بدی تغذیه مبارزه می‌کنند و در این رابطه امکان تهیه مواد غذایی و آب آشامیدنی سالم را با رعایت حفظ محیط زیست، فراهم می‌نمایند.

ج. به امر آموزش همه مردم و به ویژه کودکان و والدین تو به نموده و تلاش می‌کنند تا اهالی، اصول اولیه بهداشتی و بهداشتی را فرا گیرند. آن‌ها مثلاً با فواید شیر مادر، بهداشت شخصی، تمیز نگه داشتن محیط زیست و چگونگی پیش‌گیری از سوانح آشنا می‌شوند و در عمل از پشتیبانی حکومت‌ها برخوردارند.

د. مراکز مشاوره برای والدین و روشن‌گری در زمینه تنظیم خانواده را سازمانی می‌کنند.

۳. حکومت‌ها جهت مبارزه با خرافات و عادت‌هایی که برای سلامتی کودک زیان بخش هستند، اقدامات لازم و مناسب را انجام می‌دهند.

توجه به مفاد این ماده از سوی دولت‌ها، موجب خواهد شد که فقر اقتصادی خانواده‌ها منجر به کودک‌آزاری ناشی از غفلت نگردد، چنانکه توجه دولت‌ها به ماده ۲۸ سبب ممانعت کودکان از تحصیلات حداقلی نخواهد شد. این ماده مقرر می‌دارد:

۱. حکومت‌ها حق آموزش و پرورش را برای کودکان به رسمیت می‌شناسند و به ویژه برای تحقق آن اقدامات ذیل را انجام می‌دهند.

الف. تحصیل دوره ابتدایی را برای همه اجباری و رایگان می‌کنند؛

ب. مدارس گوناگون آموزشی و حرفه‌ای را به وجود می‌آورند و آن‌ها را به طور ارزان یا رایگان در اختیار افراد کم‌درآمد قرار می‌دهند؛

ج. امکان ورود به مدارس عالی را در دسترس همه گذاشته و از آن حمایت می‌کنند.

برای مقابله با کار اجباری کودک نیز ماده ۳۲، دولت‌های عضو را موظف به ممنوع کردن کار و استثمار کودکان نموده است.

ماده ۲۹ کنوانسیون، والدین و افراد جامعه را موظف به توجه به شخصیت و شرایط عاطفی کودک نموده و در صورت جدا بودن والدین از یکدیگر به موجب ماده ۲۰ برای رعایت نیازمندی‌های عاطفی، حکومت را موظف به حمایت از کودک نموده است. کودک‌آزاری عاطفی نیز کاهش خواهد یافت. این پیمان نامه برای مقابله با کودک‌آزاری

جنسی در ماده ۳۴ مقرر می‌دارد: «حکومت‌های عضو پیمان، خود را موظف می‌دانند که کودک را در مقابل هر گونه استثمار سکسی و سوء استفاده جنسی حمایت کنند. حکومت‌ها برای این منظور دست به اقداماتی در سطح داخل و خارج از کشور می‌زنند تا:

الف. کودکان به روابط جنسی غیر قانونی و یا اجباری کشانده نشوند؛

ب. کودکان در زمینه فاحشه‌گری مورد استفاده قرار نگیرند؛

ج. از کودکان در هرزه‌گری‌ها و نمایش‌های سکسی استفاده نشود».

کودک‌آزاری در قوانین بین‌المللی

در اوایل قرن نوزدهم آگاهی از نیاز به مقررات خاص برای کودکان شکل گرفت و قانون "Parkhurst" مصوب ۱۸۳۸ زندان جداگانه‌ای برای کودکان تأسیس کرد. قانون مجرمان جوان مصوب ۱۹۰۱ حضور و الدین را در دادگاه الزامی کرد. قانون تأسیس مراکز اصلاح و تربیت مصوب ۱۹۰۷ و قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۹۰۸ برای افراد ۱۶ تا ۲۱ ساله آموزش در دار التأدیب را پیش‌بینی کرد. قانون کودکان مصوب ۱۹۰۸ مقرر کرد که کودکان بایست جدا از بزرگسالان محاکمه شوند. دادگاه‌های خاص کودکان اولین بار در احوالی سال ۱۸۷۰ ظهور یافتند. حتی تا این زمان هم تمایز قانونی بنیادینی میان کودکان و بزرگسالان وجود نداشت (سیبا، ۱۹۸۴: ۴۲۵).

نخستین دادگاه ویژه جوانان به شکل امروزی بر اساس قانونی تشکیل شده که مجمع عمومی ایالت "ایلینوی" آن را در ۲۱ آوریل ۱۸۹۹ به تصویب رساند. هنگامی که شورای سازمان غیر دولتی تازه تأسیس اتحادیه بین‌المللی حفاظت از کودکان اعلامیه‌ای پنج نکته‌ای را در مورد حقوق کودکان به تصویب رساند یک سال بعد این پنج اصل "اعلامیه انو" را شکل دادند که بر اساس قطعنامه پنجمین نشست جامعه ملل در ۲۶ سپتامبر ۱۹۲۴ صورت پذیرفت. تمرکز این اعلامیه بر رفاه بوده و به جنبه‌های مختلف دادرسی ویژه جوانان پرداخته بود. در سال ۱۹۹۸ مجمع عمومی سازمان ملل مند نرده تو سروده یافته تری از آن متن را به تصویب رساند و ده سال بعد در سال ۱۹۵۹ اعلامیه جدیدی را تصویب کرد که در بر گیرنده ده اصل اساسی در خصوص رفاه کودکان و حمایت از آن‌ها بود. اعلامیه ۱۹۲۶ حقوق کودکان را غالباً با طرح موضوعات رفاهی

مطرح کرده است. اعلامیه ۱۹۲۶ بر اساس مقتضیات پس از جنگ جهانی اول در جهت ایجاد ثبات اجتماعی و اقتصادی بیش تر به مبادی رفاه و پیشرفت کودک همچون غذا، مراقبت بهداشتی و سرپناه و ثبات روحی پرداخته است. همچنین این اعلامیه درک ابتدایی را از حقوق کودک مطرح می کند که به کودکان از منظر بزرگسالان و نقش مراقبتی شان می نگرد (سیبا، ۱۹۸۴: ۴۲۵).

تا قرن بیستم نه در سطح قوانین داخلی کشورها و نه در سطح بین المللی، هیچ قانون مدونی برای کودکان نوشته نشده است. اولین تلاش بین المللی در سال ۱۹۲۴ میلادی صورت گرفت و پس از آن در بیستم نوامبر سال ۱۹۲۵، اعلامیه جهانی حقوق کودک تدوین گشت. پس از آن نوبت به کنوانسیون حقوق کودک می رسد. کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۴۵ ماده است و در سه بخش بیان شده است. بخش اول که بیش ترین مواد کنوانسیون (از ماده ۱ تا ۱۴) به آن اختصاص یافته به تعریف کودک و انواع حقوق و تعهد دولت های عضو برای رعایت این حقوق می پردازد (همان: ۱۰۴).

بخش دوم از ماده (۲۴ تا ۵۴) به مکانیزم اجرایی و نظارتی کنوانسیون پرداخته و چگونگی تشکیل و ترکیب نحوه عمل کمیته حقوق کودک را بیان می دارد (گیلمور، ۱۹۸۸: ۱۰۳).

بخش سوم (از ماده ۶۴ تا ۴۵) متکفل بیان نحوه امضا، تصویب و الحاق به کنوانسیون و اعلام حق شرط و خروج از کنوانسیون است.

این مقاله نامه در تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۹۰ قابل اجرا شد و تا اکتبر ۱۹۹۷ بالغ بر ۱۹۱ کشور به آن پیوسته اند (همان: ۱۰۴).

بررسی روند تاریخی کنوانسیون حقوق کودک

مسأله حقوق کودکان، مسأله جدیدی نیست. شروع آن به دوران بعد از جنگ جهانی اول بازمی گردد. یکی از طرفداران اولیه حقوق کودک، اگلاتین جب، بنیانگذار مؤسسه نجات کودکان در انگلستان در سال ۱۹۱۹م بود. وی عقیده داشت که کودکان، به شدت قربانی سیاست های اقتصادی غلط و خطاهای سیاسی و جنگی می باشند و در بسیاری از مواقع، فدای مسائل سیاسی می شوند. پس از پایان جنگ جهانی اول، به سبب پیامدهای

جنگ و آسیب‌هایی که از این راه بر کودکان وارد آمد، در سال ۱۹۲۴م «اعلامیه حقوق کودک» در ژنو تنظیم شد که بیش‌تر، در زمینه تغذیه، بهداشت و مسکن برای کودکان جنگ زده و آواره و حمایت آنان در برابر آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از جنگ بود. تأسیس صندوق بین‌المللی کودکان (یونیسف) در سال ۱۹۴۶م، گام مهمی برای پرداختن به مسائل حقوقی کودکان جهان بود. یونیسف بر اساس قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد، بعد از جنگ جهانی دوم برای رهایی چهارده کشور اروپایی از بند فقر، گرسنگی، بیماری، بی‌سرپرستی و آوارگی، پایه‌گذاری گردید. همچنین، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸م نیز منبع دیگری برای پیمان حقوق کودک بود؛ زیرا این اعلامیه، تمام انسان‌ها را بدون توجه به ویژگی‌ها شامل می‌شود که طبعاً کودکان را نیز در بر می‌گیرد (مارزک، ۱۹۸۱: ۳۲).

طرح کنوانسیون حقوق کودک که به ابتکار کشور لهستان و تلاش پروفیسور آدام لوباتکا از این کشور (که به مناسبت سال بین‌المللی حقوق کودک، اقدام به تهیه پیش‌نویس کنوانسیون کرد) در سال ۱۹۸۹، به اتفاق آرا تصویب شد، از یک مقدمه و ماده ۵۶ تشکیل یافته است. ماده ۶۱ آن مربوط به حقوق کودک می‌شود و ماده ۱۳ آن مربوط به نحوه اجرای آن در هر کشور. تا کنون، ۱۹۱ کشور از ۱۹۳ کشور جهان به آن پیوسته‌اند و فقط کشورهای آمریکا و سومالی تا به حال به این کنوانسیون ملحق نشده‌اند (فرمن، ۲۰۰۳: ۳۱).

هدف اساسی این کنوانسیون، ایجاد زندگی بهتر برای کودکان و تلاش در راه رشد هماهنگ و متعادل آنان در زمینه‌های اساسی رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، روانی و رشد اجتماعی است و برای دستیابی به این هدف، چهار محور اساسی رشد، بقا، حمایت و مشارکت را مورد توجه قرار داده است.

اکثریت کشورهای دنیا به عضویت این کنوانسیون در آمده و متعهد به تصویب قوانین داخلی لازم در جهت اجرای بهتر و مناسب قواعد این کنوانسیون در سطح ملی شده‌اند. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ و با اعمال حق شرط (در چارچوب مقررات شرع و به شرط عدم تغایر مفاد پیمان با شرع اسلام) به این کنوانسیون پیوست. بر اساس ماده ۳ پیمان‌نامه جهانی کودک، منافع عالی‌ه کودک باید در هر اقدامی از سوی سرپرستان و

والدین مورد توجه قرار گیرد. بر اساس این ماده، دولت‌ها نیز موظف شده‌اند در صورت کوتاهی والدین نسبت به فرزندان، حمایت‌ها و مراقبت‌های لازم را از آنان انجام دهند.

کودک‌آزاری در قوانین داخلی

پس از انقلاب در ایران، با تصویب قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱/۰۶/۰۳ کلیه مواد قانون مجازات عمومی سابق که راجع به جرایم هتک ناموس و منافی عفت بود، فسخ گردید و مقررات کیفری مطابق شرع اسلام، به مرحله اجرا گذاشته شد و علاوه بر آن، مصادیق دیگری از جرایم منافی عفت، غیر از زنا، مانند تقبیل و مضاجعه، تفخیز و مساحقه نیز مورد حکم قرار گرفت. ولی قانونگذار، بلوغ یا صغر سن مجنی علیه را که سابقاً موجب تفاوت در مجازات می‌شد نادیده گرفت و از این حیث همه را یکسان قلمداد کرد. همینطور، در قوانین کیفری ایران، اعمالی نظیر هرزه نگاری کودکان (پورنوگرافی) و بهره‌گیری از آن‌ها مورد غفلت قرار گرفته است.

در کشور ما علی‌رغم وجود مقرراتی پراکنده در موضوع حمایت از کودکان، تا پیش از تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، در آذر ماه ۱۳۸۱، در قوانین کیفری قانون خاصی درباره کودک‌آزاری وجود نداشت و در این مورد جرم‌انگاری خاصی صورت نگرفته بود. حتی در برخی مواد قانونی زمانی که بزه دیده طفل باشد، حمایت کیفری کم‌تری از وی مطرح شده است. همچنین علی‌رغم آن که کودک‌آزاری اعم از جسمی و روحی و جنسی معمولاً در داخل خانواده‌ها و توسط نزدیک‌ترین افراد به کودک انجام می‌شود، اما با کمال تأسف هنوز هیچ قانون خاصی برای حمایت از کودکان در مقابل خشونت‌های خانگی تصویب نشده و حتی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نیز والدین را در این گونه جرایم از تعقیب و مجازات معاف دانسته و نیز هیچ نهاد یا سازمانی که مسئولیت حمایت از کودکان آسیب‌دیده یا نظارت بر این امر را بر عهده گیرد، وجود ندارد (فهرستی و نظری، ۱۳۸۷: ۱۴۰-۱۱۳).

صریح‌ترین قانونی که در تقابل با پدیده کودک‌آزاری به تصویب رسیده، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱) است که دربرگیرنده کودکان زیر ۱۸ سال نیز می‌باشد. البته در قوانین دیگری نیز به صورت جسته و گریخته و به مناسبت‌هایی به

مسائل کودک‌آزاری پرداخته شده و در صدد حمایت از کودک بر آمده است. به عنوان مثال ماده ۲ قانون حمایت از کودکان مقرر می‌دارد: «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است».

بر اساس این تعریف، ماهیت کودک‌آزاری، اذیت و آزار است، لذا مجرم باید سوء نیت عام و خاص داشته و در صدد آزار او بر آمده باشد. بدین سبب کسی که از روی غفلت یا عدم سوء نیت باعث به وجود آمدن صدماتی به کودک شود، مرتکب کودک‌آزاری نشده است. از سوی دیگر کودک‌آزاری، جرمی مقید به نتیجه است و لذا باید عملیات آزاردهنده، موجب صدمات جسمی یا روانی و اخلاقی کشته و سلامت جسم و روان کودک را به خطر اندازد. عنصر مادی این جرم، عبارت است از صدمات جسمی؛ مانند جراحات و صدمات روانی، مانند پریشانی روانی، اضطراب، افسردگی و مانند آن. جالب اینکه پیش از این در قوانین، صدمات روانی جرم تلقی نمی‌شده است، لکن این قانون در جهت حمایت کامل از کودک، صدمات روانی را نیز جرم تلقی نموده است.

بنابراین، این ماده دربرگیرنده جرائم ناشی از کودک‌آزاری جسمی ناشی از آزار و نیز کودک‌آزاری روانی می‌شود.

هرچند ماده ۷ قانون حمایت از کودک مقرر می‌دارد که: «اقدامات تربیتی در چارچوب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی، مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹ از شمول این قانون مستثنی است؛ اما از مصادیق کودک‌آزاری ناشی از آزار جسمی، تنبیه بدنی خارج از حد متعارف توسط والدین یا سرپرست قانونی است، که بخش عظیمی از آمار کودک‌آزاری را در ایران و جهان دارد.

قانونگذار ایران، در سال ۱۳۸۱ تحت تأثیر یافته‌های روان‌شناختی، جرم شناختی و جامعه‌شناختی در زمینه حمایت از کودکان و کاهش و پیشگیری از کودک‌آزاری، قانونی با عنوان «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. این قانون از جهت این که برای اولین بار اصطلاح «کودک‌آزاری» را وارد ادبیات حقوقی کیفری ایران کرد و برای اولین بار به تعریف و ذکر مصادیقش اقدام نمود بسیار حائز اهمیت می‌باشد» (زینالی، ۱۳۸۲: ۷).

نتیجه بحث

عنوان شد که قانون حمایت از کودکان و نوجوانان علی‌رغم جایگاه روشن فقهی قضیه، از حیث عدم اشمال بر همه مصادیق کودک آزاری و پیش بینی مجازات خفیف دارای اشکال اساسی در برخورد با جرم کودک آزاری است. از نظر پیمان نامه حقوق کودک مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ (۲۹ آبان ۱۳۶۸) منظور از کودک هر انسان دارای کم‌تر از ۱۸ سال سن است، مگر اینکه طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کم‌تر تعیین شده باشد. همچنین برابر با اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد کودک به علت عدم تکامل رشد بدنی و فکری، قبل و بعد از تولد به مراقبت و توجه خاص که شامل حمایت قانونی مناسب می‌باشد نیازمند است، و نیاز به چنین مراقبت و حمایت خاص در اعلامیه ژنو حقوق کودک سال ۱۹۲۴ و در اعلامیه جهانی حقوق بشر، و در مرامنامه‌های بنیادهای تخصصی سازمان‌های بین‌المللی مربوط به رفاه کودکان نیز به رسمیت شناخته شده است.

اعلامیه جهانی حقوق کودک را با این هدف که ایام کودکی توأم با خوشبختی بوده و از حقوق و آزادی‌هایی که در پی خواهد آمد به خاطر خود و جامعه‌اش بهره‌مند شود رسماً به آگاهی عموم می‌رساند و از پدران و مادران و زنان، مردان به عنوان افراد جامعه، سازمان‌های داوطلب، مقامات محلی و دولتها خواستار است تا این حقوق را به رسمیت شناخته و در جهت رعایت این حقوق از طریق قوانین و سایر تمهیداتی که به تدریج با توجه به اصول اعلامیه تدبیر می‌گردند اهتمام ورزند. هر کودک باید از کلیه حقوق مندرج در این اعلامیه برخوردار شود و همه کودکان بدون استثنا و تبعیض و بدون در نظر گرفتن نژاد، رنگ، زبان، دین، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشأ اجتماعی یا ملی، ثروت، تولد و یا ویژگی‌های فردی دیگر یا خانوادگی مشمول این حقوق می‌شوند. کودک باید از حمایت ویژه برخوردار شود و امکانات و وسایل ضروری جهت پرورش بانی، فکری، اخلاقی و اجتماعی وی به نحوی سالم و طبیعی و در محیطی آزاد و محترم توسط قانون یا مراجع ذیربط در اختیار وی قرار گیرد و در وضع قوانینی بدین منظور منافع کودکان باید بالاترین اولویت را داشته باشد کودک باید امکان برخورداری از تغذیه، مسکن،

تفریحات و خدمات پزشکی مناسب را داشته باشد. متأسفانه در قوانین جمهوری اسلامی ایران «کودک» به فردی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده باشد. قانون مدنی در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ که در سال ۱۳۷۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، اعلام داشته است: «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر، نه سال تمام قمری است»، بنابراین این از نظر قانون مدنی، دختری که نه سال قمری و پسری که ۱۵ سال تمام قمری دارد، بالغ محسوب شده و می‌توانند مانند فردی کبیر و بزرگسال کلیه اعمال حقوقی را انجام داده و همچنین از این سن، مسئولیت کیفری آنها شروع می‌شود. اما در برخی امور پایان کودکی، سن بلوغ نیست، زیر ۱۸ ساله‌ها نمی‌توانند وارد مبادلات مالی و خرید و فروش شوند، قادر به شرکت در انتخابات و تعیین سرنوشت خود نیستند، دریافت گذرنامه برای زیر ۱۸ ساله‌ها بدون اجازه ولی مقدور نیست، استخدام در ادارات دولتی و اخذ گواهینامه برای وسایل نقلیه موتوری برای افراد زیر ۱۸ سال ممنوع است.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

امامی، سید حسن ۱۳۴۳ش، حقوق مدنی، ج ۵، تهران: انتشارات اسلامیة. ابروانیان، امیر و دیگران. ۱۳۸۹ش، کودک آزاری: از علت شناسی تا پاسخ دهی، چاپ اول، تهران: نشر خرسندی.

بیگلوی، عباس و سید کاظم رسول زاده طباطبایی و حسن موسوی. ۱۳۸۰ش، کودک آزاری، چاپ اول، تهران: انتشارات آوند دانش.

چلبی، مسعود. ۱۳۷۵ش، جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.

حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۱۰ق، وسایل الشیعه، ج ۱۹، بیروت: بی نا.

شامبیاتی، هوشنگ. ۱۳۸۴ش، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

شاملو، باقر. ۱۳۹۰ش، عدالت کیفری و اطفال، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.

شکوهی یکتا، محسن. ۱۳۶۳ش، مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: نشر آموزش و پرورش.

صیدی، معصومه. ۱۳۸۶ش، در سوگ زندگی، بی جا: شیرازه.

قائمی، علی. ۱۳۶۸ش، تربیت و بازسازی کودکان، تهران: نشر امیری.

مدنی، سعید. ۱۳۸۱ش، کودک آزاری در ایران، چاپ اول، تهران: نشر اکنون.

نجفی توانا، علی. ۱۳۸۸ش، نابهنجاری و بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران: آموزش و سنجش.

مقالات و پایان نامه ها

تدین، عباس و زینب باقری نژاد. ۱۳۸۶ش، «سن مسئولیت کیفری در کشورهای اروپایی و

ایران»، مجله تعالی حقوق، شماره ۱۸.

جلیلی، بهروز. ۱۳۷۴ش، «آیا زمان مرگ فرا نرسیده است؟»، ششمین همایش بیماری های

کودکان، تهران.

چاووشی، محمدصادق و هادی کرامتی معز. ۱۳۹۷ش، «پیشگیری از بزه دیدگی اطفال در

آموزه های قرآنی»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۳۵.

حبیب زاده، محمدجعفر و محمدباقر رویین زاده. ۱۳۸۵ش، «درآمدی بر حمایت کیفری از اطفال

بزه دیده در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین المللی»، فصلنامه نامه مفید، شماره ۵۵، دانشگاه

مفید، قم.

- زینالی، حمزه. ۱۳۸۲ش، «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و تقابل دیدگاه‌ها در آن»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۹.
- عباچی، مریم. ۱۳۸۵ش، «کودک‌آزاری»، خبرنامه انجمن ایرانی حقوق جزا، انجمن ایرانی حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۴، بهار و تابستان.
- علیوردی نیا، اکبر و همکاران. ۱۳۹۱ش، «عوامل خانوادگی کودک‌آزاری»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۰.
- محمدی آرانی، خدیجه. ۱۳۸۴ش، «حمایت از اطفال بزه‌دیده در سیاست جنایی تقنینی جدید ایران و اسناد سازمان ملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید قم.
- مهدوی، محمود. ۱۳۸۸ش، «اطفال و نوجوانان در معرض خطر (مطالعه موردی بررسی عوامل خطر بزهکاری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران)»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، راهنما: دکتر شهلا معظمی.
- نقوی، اعظم و دیگران. ۱۳۸۴ش، «مقایسه ویژگی‌های رفتاری دانش‌آموزان آزاردیده و عادی شهر اصفهان»، فصلنامه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، شماره ۲۲، دانشکده فردوسی مشهد.

Bibliography

The Holy Quran

Nahj al-Balaghah

Hor amoli, Mohammad b. Hassan, Al-Shi'a, 19th, Beirut Publications, 1410 AH,

Emami, Seyyed Hassan, Civil Rights, Islamiyah Publications, Volume 5, 1343,

Iraanian, Amir and others, child abuse: from causation to response, first print. Tehran: Khor Sandi Publishing House, 2010,

Biglowy, Abbas, Seyyed Kazem Rasoulzadeh Tabatabaei, Hasan Mousavi, Child Abuse, First Edition, Tehran: Awand Danesh Publication, 2001,

Jalili, Behrouz, Is not the time of death? Sixth Congress of Children's Diseases, Tehran, 1995

Chavooshi, Mohammad Sadegh and Keramati Mages, Hadi, Prevention of Child Trafficking in Quranic Teachings, Quarterly Journal of Quranic Studies, No. 35, 1397.

Chalabi, Masoud Sociology of Order: A Theoretical Analysis of Social Order, Tehran, Nasrin, 1375

Shambiati, Houshang, Child and adolescent delinquency, Tehran, Majd Publication, First Printing, 2005, p. 15

Shamloo, Baqir, Criminal Justice and Pediatrics, Tehran, Forest Publishing, First Printing, 2011,

Shkatohi Yeta, Mohsen, Basics of Islamic Education. Tehran: Publication of Education, 1363,

Sidi, Masoumeh, In the Lust of Life, Shiraz, 2007,
Ghaemi Ali, Teaching and Rehabilitation of Children, Tehran: Nasamariri, 1989,
Madani, Saeed, Child Abuse in Iran, Tehran, Publishing Now. Ch 1, 1381,
Najafi Tavana, Ali, Abuse and Delinquency of Children and Adolescents, Publisher of Education and Measurement, 2009,

Articles

Tadein, Abbas and Bagherinejad, Zainab, Sentence of Criminal Responsibility in European Countries and Iran, Magazine of Excellence Law, No. 18, 2007,
Habibzadah, Mohammad Jafar and Royanzadeh, Mohammad Baqer, An Introduction to the Criminal Support of Child Victims in Iran's Law by Looking at International Documents. Quarterly Bulletin, No. 55, Mofid University, Qom, 2006,
Zeynali, Hamza, The Law on Protection of Children and Adolescents, and the Conflict of Views in It, Journal of Social Welfare, Third Year, No. 9, 2003,
Abbasi, Maryam, child abuse, IRAN Newsletter, Iranian Criminal Law and Criminology Association, No. 4, Spring and Summer, 2006,
Alirevadinia Nia, Akbar et al., Family Factors in Child Abuse, Social Welfare Quarterly, Thirteenth, No. 50, 1391,
Mahdavi, Mahmoud, Children and Adolescents at Risk (Case Study of Crime Risk Factors in Adolescents in Tehran's Rehabilitation and Development Center), Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Dr. Mrs. Shahla Moazzami, 2009,
Naghavi, Azam and others, A Comparison of the Behavioral Characteristics of Students Abusive and Normal in Isfahan, Journal of Pedagogical and Psychological Studies, No 22, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, 2005,
Mohammadi Arani, Khadijeh, Protecting Juvenile Children in New Iranian Legislative Criminal Law and United Nations Documents, Master Degree, Moody Mohammad University of Qom, 2005.

A Comparative Study of Child Abuse and Sexual Crimes from Quran, Common Law and International Documents' Viewpoint

Sahar Zargarian: Post Graduate, Criminology, Islamic Azad University, Karaj Branch

Hassan Shafi'ee: Assistant Professor, Islamic Azad University, North Tehran Branch

Abstract

Paying attention to children's rights is not only a matter of today's society, but also in Islam, children's rights have been considered in similar cases. In this article, it is intend to explore child exploitation and sexual crimes in international conventions in accordance with the Holy Quran and the common laws of Iran. By anticipating the rights of children and adolescents and their urgent need to basic humanistic support, today international documents and domestic laws have tried to criminalize any child abuse; the Quran has focused on various manifestations of child abuse.

Keywords: child, child abuse, Quran, Iran's rights, international documents.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی